

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر ستار "کریمپور"

۲۷ می ۲۰۱۲

"اسماعیل خان" در جدال با قانون

به دنبال شکایات و تهدید های پیهم کشور های کمک کننده غربی مبنی بر دست داشتن اعضای حکومت "آقای کرزی" در فساد اداری، قاچاق مواد مخدر، و حیف و میل مساعدت های مالی؛ "آقای کرزی" سر انجام با بی میلی تن به ایجاد کمیسیون قسماً با صلاحیت "اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد" داد. اعضای این کمیسیون از همان بدو تشکیل خود را درگیر زورمندان و سیاست های مذورانه و دورویی های شخص "آقای کرزی" یافتند که با وجود تلاش های مکرر در اجرای وظائف مرفقیبت چندانی عاید حال شان نگردید. تأسف آور این که، دوسیه هائی که این کمیسیون ماه ها بر آن کار نموده و از سرمایه ملت بر آن مصرف گردیده بود نیز بی سرنوشت در الماری ها قفل گردیدند و آنهمه امید کاذب که از برخورد قانونی با زورمندان و چپاولگران پدید آمده بود نیز آهسته آهسته به خاموشی گرائید. ولی با کمال تعجب و در یک اقدام بیسابقه چند روز قبل آقای "عزیز لودین" رئیس اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد به دنبال ادعا های قبلی خود اینبار مشخصاً از شخص آقای اسماعیل خان، وزیر پر قدرت انرژی و آب، در سوء استفاده و غصب به ارزش صدها میلیون دالر ملکیت های دولتی نام برد.

تا جایی که موضوع به این قضیه ارتباط می گیرد مختصراً گفته شود که اسماعیل خان از جمله چهره های محبوب و تا جایی هم جنجال بر انگیز برای هراتیان بوده است. در طول سالهای جهاد اسماعیل خان، با درایت و شهامت در کنار مردم خود ایستاد و افتخارات بیشماری را برای ملت افغانستان و خاصاً مردم هرات کما می نمود تا جایی که هراتیان چهره "نیمه مقدسی" به وی دادند. بنده نیز در طول همین سالها افتخار هم‌رزمی و آشنائی با جناب ایشان را حاصل نمودم. ولی با خاتمه جهاد و زمانی که هاله تقدس از اطراف رهبران جهادی بر افتاد اسماعیل خان نیز از این قاعده مستثنی نماند. گذشته از آن خود محوری، تقسیم کرسی های دولتی میان خویشاوندان و دوستان، موضعگیری های سختگیرانه مذهبی، و منافع جمعیت اسلامی را از نیازمندی های مردم برتر دانستن، آهسته آهسته هراتیان را واداشت تا عمل کرد های اسماعیل خان را مورد پرسش قرار دهند. نگارنده این سطور که در آن سالها هنوز خود در هرات زندگی می نمودم خوب به یاد دارم که در شرائطی که کشور در آتش جنگ داخلی می سوخت و صد ها

هزار از بیجا شدگان داخلی در حومه شهر هرات به حالت رقبتاری در کمپ ها به سر می بردند و در مقابل هر دکان به ده ها فقیر و گرسنه به امید لقمه نانی پرسه می زدند؛ اسماعیل خان برای فرزند ارشد خود "میرویس صادق" (وزیر هوا نوردی در حکومت انتقالی که در سال ۲۰۰۴ در پی یک درگیری در هرات به دست "ظاهر نایب زاده" از قومندانهای جهادی پدرش به شکل مرموز به قتل رسید و یکسال بعد خود شخص "ظاهر نایب زاده" نیز به شکل مرموزتری در تصادف موتر در راه مزار شریف کشته شد) جشن عروسی سه شبانه روزی به شیوه افسانه ئی که معلمان زن مجبور به ایستادن در صفوف پذیرائی مدعوین گردیده بودند؛ بر پا نمود. اسماعیل خان متأسفانه هیچ گاه نتوانست و یا هم نخواست تا از غلاف "جمعیت" خود را بیرون نماید و بناءً گفته می توان که اسماعیل خان "بار اول" بیشتر یک "جمعیتی" باقی ماند تا یک هراتی (جالب این که در آن ایامی که شیرازه ملی کاملاً از هم پاشیده و متأسفانه همه حرکات در محور "منطقه" و "قوم" می چرخید، اسماعیل خان با نواختن طبل "جمعیت" گرائی گوش هراتیان را کر نموده بود، حال آن که امروز که نیاز حرکت به سوی یک وحدت ملی بیشتر گردیده، مصرانه به "هراتی" بودن پافشاری دارد.) اسماعیل خان تا اخیر به استاد ربانی وفادار باقی ماند و به شخص احمد شاه مسعود و شورای نظار به دیده یک "متمرد" می نگریست. اصرار و تشویق اسماعیل خان در اطلاق صفت "امیر" نسبت به شخص خودش با آن که در ابتداء چندان جدی تلقی نمی گردید اما به تدریج نشانه هائی از خود خواهی و خود بزرگ بینی را در اسماعیل خان بروز داد که شاید علت بسیاری از رقابت ها و اختلافات سیاسی اسماعیل خان ریشه در همین کلمه داشته بوده باشد. مثال های این اختلافات را می توان در رقابت های درون تنظیمی میان اسماعیل خان و سید نورالله "عماد" معاون جمعیت اسلامی، که موصوف نیز از هرات بود، و تا جایی هم با احمد شاه مسعود دریافت نمود. این رقابت ها و کشمکش ها نیروی فکری، معنوی، فزیک، و رزمی هرات را روز تا روز به تقلیل برد و زمینه های سقوط هرات را به دست طالبان فراهم نمود. نتیجه همین رقابت ها بود که آزمانی که لشکر طالبان به سوی هرات هجوم آوردند، "فرماند فقید احمد شاه مسعود" تعداد قوای کمکی به اسماعیل خان فرستاد اما درخواست نمود تا قومانده عملیات جنگی به شورای نظار (داکتر عبدالله) سپرده شود؛ ولی این پیشنهاد به ذوق و غرور اسماعیل خان خوش نخورد و در موقعی که مجاهدین هرات هنوز در مواضع خود باقی بودند، اسماعیل خان به رسم اعتراض راه اسلام قلعه را در پیش گرفت و از آنجا به ایران پناه برد؛ نتیجه آن گردید که به دستور آی اس آی صد ها جوان هراتی از دم تیغ برآمدند و شهر باستانی و زیبای هرات به چنگ لشکریان چهل افتاد.

این که دوسیه فعلی چه پیامدی برای اسماعیل خان خواهد داشت آن را آینده روشن خواهد نمود و بهتر آنست تا از هر نوع پیشداوری در این قضیه خود داری نموده و منتظر ماند تا دوسیه سیر قانونی خود را طی نماید (اگر باز هم در الماری ها قفل نگردد!) ولی در عین حال باید اعتراف نمائیم که در اوضاع نابسامان فعلی در افغانستان تنها همین چند زورمند مطرح هستند؛ و اگر قرار باشد حکم نمایم که آقایان "دوستم، فهیم، گل آغا شیرزوی، محقق، سیاف، اسماعیل خان، برادران کرزی، و ..." در این قضایا دستی ندارند؛ پس آیا افرادی از سیارات دیگر به اینجا آمده اند که این همه گند رسوائی شان به هر سو پراکنده است؟ مسلماً که تنها همین زورمندان توان و قدرت غصب و سوء استفاده را دارند و نه ضعیفان، و اگر ضعیف قدرت "غصب" می داشت منطقاً ضعیف باقی نمی ماند. از جانب دیگر، شخص داکتر "عزیز الله لودین" که خود نیز اهل هرات و هم از دوران جهاد با "اسماعیل خان" شناخت دارد و در عین حال واقف از حساسیت موضوع نیز می باشد، قطعاً چنین جرأتی را به خود راه نمی داد که بدون اسناد قوی همچو الزامی را علیه اسماعیل خان روا دارد.

اختلاس و سوء استفاده در این قضیه به صدها میلیون دالر ارزیابی گردیده، بنده منحنیث کارمند سابقه دار شاروالی هرات از سوابق ملکیت های اکثر دست اندرکاران و نو به دولت رسیدگان فعلی هرات آگاهی کامل دارم. حساب ملکیت های غیرمنقول در این قضیه روشن و اسناد آن در دفاتر رسمی ثبت است. اما چیزی که کار آقای "لودین" را مشکلتر می سازد اینست که عاملان همچو قضایا معمولاً سرمایه های منقول خود را به کمک دوستان و شرکاء به آسانی به خارج از کشور انتقال می دهند. تا جایی که من اطلاع دارم دو فرد می توانند تا در قسمت ردیابی سرمایه های به خارج منتقل گردیده اسماعیل خان با اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد کمک نمایند. یکی از این افراد شخص کم سوادی به اسم "نثار احمد - فیضی غوریانی" برادر رئیس شرکت برق هرات می باشد که در گذشته به حیث سکرتر خاص آقای "اسماعیل خان" ایفای وظیفه می نمود. این شخص مالک "شرکت تجارتي برادران فیضی غوریانی" و از جمله شرکای تجاری "اسماعیل خان" می باشد که از بابت همین شراکت مالک هتل های بلند منزل و میلیون ها دالر گردیده است و با آن که خود در امریکا زندگی می نمود ولی در دوره قبلی شورا به حیث وکیل مردم هرات (؟) تعیین گردیده بود که بالاخره در دور فعلی شورا در زمره "وکلاي متقلب" از شورا اخراج گردید! فرد دوم "راشد سلجوقی" نام دارد که از اعضای سابقه دار جمعیت اسلامی و در عین حال معلم معنوی اسماعیل خان نیز می باشد. ادریس جان سلجوقی، پسر آقای سلجوقی، همین اکنون به حیث مشاور (شاید هم تجاری) آقای اسماعیل خان در وزارت انرژی و آب ایفای وظیفه می نماید. در سفر هائی که آقای اسماعیل خان به امریکا داشته، ملکیت هائی را به اسم و کمک همین افراد نقداً در امریکا خریداری نموده که اخبار آن از طریق تلویزیون آریانای آقای "مسکینیار" نیز پخش گردید.

هدف از این نیشته به هیچوجه تحلیل و یا هم حلاجی شخصیت اسماعیل خان نیست چه کارنامه های هر شخص خود انعکاس واقعی از شخصیت همان فرد می باشد و اصولاً "هر فردی تا زمانی که جرمش از جانب محکمه تثبیت نگردیده بیگناه تلقی می گردد." ولی ما همه شاهد بوده ایم که در این ظلمت آباد - مظلوم سرای، هر آن که به قدرت رسید ظلم کرد و هر آن که دستش رسید تاراج نمود و این وظیفه همه افغانهای بادر و با احساس است تا به هیچ فردی اجازه ندهند تا سرمایه های ملی کشور را چه در هرات و چه هم در قندهار و چه در شیرپور و کابل و یا هم هر نقطه دیگر کشور حیف و میل نمایند و نگذاریم تا روابط شخصی و "همشهری" ما قضاوت و وجدان ملی ما را تحت شعاع قرار دهد.

به امید تأمین عدالت واقعی و سرتاسری در افغانستان عزیز!

پایان

۲۰۱۲/۵/۲۰ مونتریا - کانادا

یادداشت:

ضمن ابراز خیرمقدم و سپاس به خاطر تشریف آوری و آغاز همکاری جناب «انجنیر ستار "کریمپور"» با پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" که متعلق به تمام آزادیخواهان و ترقی پسندان کشور می باشد، ناگزیریم نکات آتی را از جانب خویش بر نوشته جناب شان بیفزائیم:

۱- به همان سانی که تذکر داده اید" هدف از این نیشته به هیچوجه تحلیل و یا هم حلاجی شخصیت اسماعیل خان نیست چه کارنامه های هر شخص خود انعکاس واقعی از شخصیت همان فرد می باشد" ما نیز حین نشر این نوشته نمی خواهیم بر شخصیت و اعتبار مبارزاتی فردی به نام "تورن اسماعیل" و استحالته آن الی "امیر اسماعیل خان"

مکت نمانیم. علت چنین امتناعی در کنار ده ها دلیل دیگر، یکی هم وابستگی مفرط شخص "اسماعیل خان" به قدرت های خارجی و دیگری روشنفکر ستیزی وی می باشد. چنانچه همین دو عامل به تنهایی خود باعث می گردد که خون بهترین و رزمنده ترین فرزندان هرات از سنخ و تبار، "ماما غلام محمدها و قومندان انجنیر کریم ها" و ده ها تن دیگر هیچ گاهی از دامان آلوده وی پاک نگردد.

۲- تا جایی که ما می دانیم نیروهای اشغالگر در افغانستان و در رأس آنها امپریالیزم جنایتگستر امریکا، از نخستین روزی که اداره مستعمراتی کابل را به وجود آوردند تا امروز، هر چند گاهی متناسب به اقتضای وقت و زمان اداره های مختلف و در ظاهر دهن پرکنی را به وجود آورده به وسیله آنها خواسته اند مردم را به چیزی سرگرم نمایند. این اداره های در ظاهر دهن پرکن، زیر هر نام و عنوانی که به وجود آمده اند همه یک هدف و یک قصد خاصی را تعقیب نموده و در آینده نیز تعقیب خواهند نمود. آن هدف چیزی نیست مگر تحکیم مناسبات استعماری در کشور. بر همین مبنا گفته می توانیم که اداره به اصطلاح "اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد" از طرف استعمار به مثابه وسیله ای به وجود آمده است تا در موقع ضرورت استعمار بتواند از آن استفاده نموده، حریف خود را سرجایش بنشانند.

۳- این را همه شنیدیم و خواندیم که به دنبال اعلام امکان توافق بین اداره مستعمراتی کرزی و اشغالگران امریکائی در عقد موافقتنامه ستراتیژیک که چیزی نیست مگر افغانستان را به قباله رسمی امریکا در آوردن، "اسماعیل خان" که از طریق خدمت به چنین نظام مستعمراتی به مانند سایر خاینان، تا گلو در لجن خیانت به میهن غرق است، بر مبنای تعلقات با کشور های خارجی دیگر، ضمن یکی دو مصاحبه از موقف خود و حتا موقف مجاهدین مخالفت خود را با عقد چنان قرار دادی زمزمه نمود.

و چون چنین زمزمه هائی برای امپریالیزم خوشایند نبود، لذا به آقای "لودین" این دلقک دیگر استعمار دستور داده شد تا از فساد بزرگ "اسماعیل خان" یا دهانی نماید.

همه شاهد بوده و هستیم که به محض تذکر "لودین"، "اسماعیل خان" نه تنها زبان مخالفت خود را علیه آن عقدنامه نامه کوتاه نمود بلکه به مثابه یکی از اعضای کابینه میهن فروشان بر آن مهر تأیید نیز گذاشت.

خواننده گرامی، شما می توانید مطمئن باشید که بعد از موضعگیری جدید "اسماعیل خان" نه از دوسیه خبری خواهید شنید و نه هم از تعقیب قضائی وی، مگر این که باز هم فیل "اسماعیل خان" یاد هندوستان نموده در کدام زمینه ای زیادی خواهی نماید، که باز هم همان آش خواهد بود و همان کاسه.

۴- به ارتباط اختلافات درونی میان دو تن از خاینان ملی یعنی "احمد شاه مسعود" و "اسماعیل خان" تا جایی که ما اطلاع داریم ریشه های اختلاف آنها به علاوه تفرقه افکنی ها و خبائثت هائی شخص "ربانی" به خاطر کنترل آنها، به جنگ قدرت در درون جمعیت نیز بر می گشت. این که شما در مورد یکی از جنایتکاران جنگی و یکی از خاینان ملی یعنی شخص "احمد شاه مسعود" چگونه می اندیشید، حق دموکراتیک تان بوده ما به خود حق نمی دهیم تا جلو تفکر شما را بگیریم، مگر این را حق و وظیفه خود می دانیم تا با صراحت تمام بیان داریم که نزد ما "مسعود" و "اسماعیل خان" هر دو نفر دو جنگ سالار خاین مربوط به جمع میهن فروشان "جمعیت اسلامی" می باشند. بر همین مبنا هیچ گاهی به خود حق نمی دهیم تا پیش و یا پس از نام "مسعود" کلماتی را که بار معنایی مثبت از آن استنباط می گردد چون کلمه "فقید" به کار ببریم.

۵- با آن که راجع به مناسبات برداران "نثار احمد- فیضی غوریانی" و شخص خودش با "اسماعیل خان" حرفهائی وجود دارد که چه بسا با تذکرات شما تطابق نداشته باشند، اما همین که شخص "نثار احمد- فیضی غوریانی" وکیل

در پارلمان اداره مستعمراتی بوده و یا هم تا هنوز است، کافی است تا بنویسیم که مشارکت در سرمایه های "اسماعیل خان" تنها جرمی نیست که آنها مرتکب گردیده اند، بلکه از همه مهمتر نفس همکاری و خدمت به استعمار است که آنها را در قطار خاینان ملی جا داده، در زمانش باید به پای میز محاکمه کشانیده شوند.

۶- و اما به ارتباط سرمایه ها و ثروت قارونی اسماعیل خان. تا جائی که ما اطلاع داریم به علاوه دو خانواده ای که شما از آنها نام برده اید، بزرگترین شریک تجاری "اسماعیل خان" برداران "صافی" که در رأس آنها بردار بزرگتر، "صوفی قدوس صافی" قرار دارد، می باشد. این همان "صافی" است که "شرکت هواپیمائی صافی" به نام وی ثبت بوده و به علاوه املاک منقول، در املاک غیر منقول هم از نوع هتل های بلند منزل، قصر ها و شرکت های دیگر نیز حیثیت جیب "اسماعیل خان" را دارند.

۷- ما ضمن آن که از خوانندگان گرامی چون شما صمیمانه سپاسگزاریم، که به افشای دستبرد ها و خیانت های خاینان می پردازند، توجه آنها را به یک نکته دیگر که از همه مهمتر است، نیز جلب می نمایم. و آن نکته چیزی نیست به غیر از عطف توجه بیشتر علیه وطن فروشی های این باند های مزدور و خود فروخته. چه از نظر ما با تمام اهمیتی که غارت اموال عمومی و تاراج دارائی های مردم دارد و باید علیه آن رزمید، هیچ گاهی نمی تواند مساوی با فروش میهن و عقد قرارداد هائی از قماش آنچه در این اواخر بین اداره مستعمراتی کرزی و تمام کشور های اشغالگر یکی به دنبال دیگری منعقد می گردد، باشد. به عبارت دیگر، زمانی که مردم افغانستان بتوانند خود سرنوشت خویش را تعیین نموده آقای خانه خود باشند، از تمام خاینانی از قماش اسماعیل خان، کرزی، لودین، فهیم، دوستم، خلیلی، سیاف، گلبدین، ملا عمر و... اولتر از همه به خاطر خیانت شان به مام میهن باز خواست خواهد نمود.

به امید آنروز

اداره پورتال AA-AA